

دیوان فانی تله جردی

شامل:

غزلیات - مثنوی - دوبیتی - رباعیات

سراینده

ابوالقاسم گودرز تله جردی (فانی)

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : دیوان فانی تله جردی شامل: غزلیات- مثنوی- دوبیتی رباعیات/سراینده ابوالقاسم گودرز تله جردی (فانی).
مشخصات نشر : تهران: صبا، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری : ۱۵۰ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۳۴-۷۸-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیفا
موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴
the century ۲۰ Persian poetry

رده بندی کنگره : PIR۸۱۹۲ :
رده بندی دیویی : ۶۲/۸۱ :
شماره کتابشناسی ملی : ۸۹۲۹۰۹۴ :
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیفا

www.ketab.ir

دیوان فانی

سراینده : ابوالقاسم تله گودرز تله جردی (فانی)

نوبت چاپ : دوم _ تابستان ۱۴۰۲

شمارگان : یکصد نسخه

قطع کتاب : رقعی

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۳۴-۷۸-۲

ناشر : انتشارات صبا - خیابان ناصر خسرو، کوچه حاج نایب _ ۳۳۱۱۹۹۵۵

قیمت : ۱۰۰۰۰۰ تومان



فهرست مطالب

۲۴	یوسف کنعانی	۵	مقدمه
۲۵	تمنای تو	۷	غزلیات
۲۵	غم جدائی	۸	سایه مهر
۲۶	خالق عالم	۹	از کوی یار
۲۷	ترنم بهاری	۱۰	در عرصه قیامت
۲۸	بسوی علقمه	۱۱	سیمرغ کوه قاف
۲۹	کاملترین مرد خدا	۱۲	مرغ سحر
۳۰	نور چشمان پیامبر	۱۳	مرغ جان
۳۲	مظلومه‌ای چو زهرا	۱۴	بانگ جرس
۳۳	تنگان کوثر	۱۵	تیر مژگان
۳۴	یاس کبود	۱۶	در غبار کاروان‌ها
۳۵	کاروان سالار عشق	۱۷	تو دریایی
۳۸	خاک لیلی	۱۸	خوشرز عطر یاس
۳۹	صنع خدا	۱۹	یاد تو
۴۱	جان عالم	۱۹	یار دل آرام
۴۲	بهار عاشقان	۲۰	نسیمی خوش
۴۳	لطف کردگار	۲۰	آتش هجر
۴۵	مثنوی‌ها و غزلها	۲۱	همای رحمت
۴۶	بهار آمد	۲۲	از آن خورشید
۴۷	بده مژده بر دل	۲۲	ز دریا
۴۹	برون کن غم از دل	۲۳	شب جدایی
۵۰	خنیاگر صبح	۲۴	امام ابرار

۶۷ ای علی	۵۱ تیشه عشق
۶۸ شام هجران	۵۱ مزده وصل
۶۹ راه وصل	۵۲ تک درخت تشنه
۷۰ ذبح عظیم	۵۲ رباطه غم
۷۱ به خاک طوس	۵۳ به نخلستان کوفه
۷۲ آی پناه بیگسان	۵۳ سر خاک شهید
۷۳ آفتاب جان	۵۴ مشتاق هجرت
۷۴ ضمیر کن فکان	۵۶ شهر خون
	۵۷ سربداران زمان
۷۷ دوبیتی‌ها	۵۷ احمد کشوری
۷۸ پروانه‌ای در آتش	۵۸ مرد دین
	۵۹ عزیزان شهید
۱۱۹ در وادی عشق	۶۰ از باد خزان
۱۲۰ در وادی عشق	۶۱ چشم دل
	۶۲ یوسف گمگشته دوران
۱۳۷ رباعیات خونابه اشک	۶۳ چراغ لاله
۱۳۸ خونابه اشک	۶۴ سر تسلیم
۱۴۹ کاروان عمر	۶۵ به یاد لاله
۱۴۹ گرداب غم	۶۷ بانگ جرس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

ذوق و قریحه ابوالقاسم گودرز متخلص به (فانی) در جای جای اشعار او پیداست. به برکت قریحه خداداد و تأمل در شعر پیشینیان و بازخوانی آنها کار سرودن را آغاز کرده و هنوز در ابتدای این راه پر فراز و نشیب قرار دارد. شاعری شوریدگی است و نازک خیالی و طبعی لطیف می‌خواهد و پیامی روشن همراه با تصویرهای تازه و دلکش و در عین حال گرم و شورانگیز. شوریدگی و شیدایی در اشعار گودرز، به چشم می‌خورد، و اگر از سروده‌هایی که به شعار نزدیک‌ترند تا به شعر بگذریم، سایر ابیات از احساس پاک و خالصانه سرچشمه گرفته و نشانگر سادگی و خلوص و صفای دل شاعر است و از این روی بر دل می‌نشیند.

ابوالقاسم گودرز که روزگار چندان با او مهربان نبوده که بتواند مدرسه برود و به تحصیل پردازد، فقط در زمان هفت هشت سالگی طی سه ماه زمستان در کلاس درس شخص غریبی که در روستای ایشان برای امرار معاش تشکیل می‌دهد شرکت کرده تا توانائی خواندن و نوشتن را پیدا کند، و پس از گذشتن فصل زمستان، شخص غریب به شهر خود که گویا همدان بوده باز می‌گردد و گودرز هم از خواندن درس محروم می‌شود و حسرت خویش را از این محرومیت در قطعه «تک‌درخت تشنه» که گوئی زبان حال خود اوست بیان کرده. در این شعر می‌گوید:

ما که سودی از خرد نابرده‌ایم	ما نباشیم زنده بلکه مرده‌ایم
دانش هر کس چراغ راه اوست	ما چراغ خویش را پف کرده‌ایم
حسرتی که در این ابیات موج می‌زند نشان از محرومیت شاعر دارد	

و این که غم نان او را از پیمودن مدارج کمال باز داشته و شعله استعداد او را در برابر هجوم توفان ناداری قرار داده است اما با این وجود با همان بضاعت اندک از سواد به مطالعه آثار شاعران و کتاب‌های مذهبی روی آورده و تلاش کرده از ذوق و استعداد شاعری خود در مسیر مطلوب بهره گیرد. درونمایه اشعار گودرز، مذهبی است و آیات قرآنی و مضامین دینی در جای جای اشعار وی به چشم می‌خورد. وصف طبیعت، مضامین اجتماعی و اخوانیات از دیگر اغراض شعری اوست. دویستی‌ها و رباعیات در دیوان گودرز برجستگی ویژه‌ای دارند و بنظر من بهترین نمونه اشعار او محسوب می‌شود. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌کنم.

چراغ بسویان از تو روشن مه و خورشید سوزان از تو روشن
برافروزان چراغم از نگاهی چراغ مرده‌ی جان از تو روشن

* * *

ای رفته ز دل قرار من از غم تو بی سبزه و گل بهار من از غم تو
آندم که شوم خاک ره رهگذران بر باد درو غبار من از غم تو

* * *

پژمرده شد است گل به باغ از غم تو

اندر دل لاله هست داغ از غم تو

بسنگر که شب و روز دل محزونم

می‌سوزد چون شمع چراغ از غم تو

به هر روی برای این شاعر خودخوانده که ندایش از عمق دل

برمی‌خیزد و بر تار اندوه و درد زخمه می‌زند، توفیق بیشتر و آثار

پر بارتر آرزو مندیم.

دکتر رضا ناظمیان

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی